

دکتر مارو ویلسون، انبیا، جلسه ۱۶، هوشع، بخش ۳

مارو ویلسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر مارو ویلسون در حال تدریس در مورد انبیا است. این جلسه ۱۶، هوشع، بخش ۳ است.

بسیار خوب، بیایید کمی دعا کنیم و شروع کنیم.

پروردگارا، هر روز، روز توست و این روزی است که تو آفریده‌ای. ما امروز را داریم، کلام تو به ما یادآوری می‌کند که امروز عمل کنیم زیرا فردا نامعلوم است. بنابراین، دعا می‌کنیم که حساب‌های ما امروز نزد تو کوتاه باشد، و با چیزهایی که باید با آنها روبرو شویم، با صداقت برخورد کنیم.

شکر که تو خدای مهربان و بردباری هستی که با ما هستی. دعا می‌کنیم که رابطه ما با تو هر روز در رفاقت باشد. ما را ببخش آن زمان‌هایی را که سرگردان می‌شویم و از نزدیک تو را دنبال نمی‌کنیم.

به ما عطا کن که حتی در میان پیچ و خم‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی، چیزی در مورد عشق خدا به خودمان بیاموزیم. به یاد خواهیم داشت که خدا همیشه ما را دنبال می‌کند. او هرگز ما را رها نمی‌کند و هرگز تسلیم نمی‌شود.

به ما کمک کن تا از هوشع و جومر بیاموزیم، زیرا تو هوشع هستی و ما جومر. دعا می‌کنیم که با درک دوباره‌ی عشق تو، هر روز بیشتر به حس پاسخگویی و وفاداری فراخوانده شویم، من از طریق مسیح پروردگارمان، دعا می‌کنم. آمین.

یادآوری می‌کنم، دوشنبه قرار است با هم باشیم و از نزدیک با هم معاشرت کنیم. او خوشش نمی‌آید. دارد عصبی می‌شود.

ما تمام مطالب خواندنی را طبق برنامه درسی پوشش خواهیم داد. قطعاً تأکید بر متون کتاب مقدس، به ویژه متونی که در کلاس در مورد آنها صحبت کرده‌ایم، خواهد بود. برخی اهداف و برخی تعاریف در چند جمله ارائه خواهد شد.

چند مقاله کوتاه‌تر وجود خواهد داشت و یک مقاله طولانی‌تر تمام وقت شما را خواهد گرفت. اما تأکید اصلی بر مطالب مقدماتی به علاوه یونس، عاموس و هوشع است. دفعه قبل در مورد ازدواج به عنوان پیمان صحبت کردم و اشاره کردم که آنچه در فصل ۲ داریم در تاریخ ازدواج و سنت ازدواج یهودیان آنقدر مهم بوده است که این متن در واقع در مراسم عروسی سنتی یهودیان ذکر شده است.

یادم می‌آید که ما یک عروسی یهودی ارتدکس را در فضای باز در اسرائیل فیلمبرداری کردیم. همیشه ازدواج در فضای باز و زیر سایبان بزرگ یک میتزوی اضافی است. یادم می‌آید که شنیدم خاخام این ورد را می‌خواند.

این کلمات برای یک رابطه دائمی، همانطور که خدا می‌گوید، من تو را برای همیشه به عقد خود درمی‌آورم. و آن تأکید اینجا بر این کلمات مختلف، عدالت، میثاق یا انصاف، حس انصاف و اشتراک‌گذاری، آنچه نه تنها برای من بلکه برای دیگری درست است، همانطور که حرف اول آن را نشان می‌دهد. میثاق همیشه یک خیابان دو طرفه در کتاب مقدس است.

مهم نیست من چه حقی دارم، مهم این است که چه چیزی برای من منصفانه و عادلانه است. حق و حقوق من را به من بدهید، مهم این است که چه چیزی برای طرف مقابل منصفانه است. در عدالت، نوعی عمل متقابل وجود دارد.

این چیزی است که می‌خواهیم در ذهن داشته باشیم». حسد «یکی از کلمات کلیدی شما در کتاب هوشع است». حسد «چیزی بیش از عشق است».

استفاده می‌شود، و بیش از ۲۵۰ بار در کتاب مقدس عبری آمده است، وقتی تمام آن hesed وقتی از کلمه متن‌ها را مطالعه می‌کنید، همه چیز به دو چیز اصلی خلاصه می‌شود. حالا می‌توان آن را به روش‌های مختلفی ترجمه کرد. مهربانی عاشقانه، مهربانی، حتی نوعی رفتار مهربانانه با دیگران.

hesed اما دو چیزی که واقعاً به آنها خلاصه می‌شود یکی، زمینه عهد و پیمان است. و بنابراین وقتی از استفاده می‌شود، در زمینه یک رابطه مبتنی بر عهد و پیمان استفاده می‌شود. و دوم، همراه با آن زمینه عهد و پیمان، این ایده وفاداری سرسختانه، وفاداری مصمم وجود دارد.

آن را RSV، آن را عشق ترجمه نمی‌کند. در کتاب هوشع RSV وقتی هزد کردی، به همین دلیل است که عشق پایدار ترجمه می‌کند. حالا آن کلمه کوچک پایدار، در حالی که معانی دیگر آن می‌تواند عشق وفادار، ثابت قدم، عشق وفادار، عشق وفادار باشد.

بنابراین، ایده وفاداری سرسختانه به رابطه عهدی، همان چیزی است که تلویحاً به آن اشاره شده است. بنابراین، «حسد» به عهد گره خورده است، و در مورد اسرائیل، «حسد» پاسخی به «حسد» خدا بود. و به دلیل عهد، در نهایت نمی‌تواند شکسته شود، یا کاملاً شکسته شود، زیرا برای بستن یک عهد به دو نفر نیاز است، و برای شکستن آن نیز به دو نفر نیاز است.

و من همیشه باید به دانش آموزان یادآوری کنم که ممکن است گاهی اوقات، از نظر رزومه تحصیلی، هر چیزی را که در دیگر مؤمنان می‌بینید، در درازمدت دوست نداشته باشید. در مورد اسرائیل هم همینطور است. اما وقتی کسی رابطه‌ای روشن، شخصی و مبتنی بر عهد با پادشاه جهان دارد، در نهایت هیچ چیز نمی‌تواند آن پیوند را از بین ببرد.

ما می‌توانیم فرار کنیم، می‌توانیم به دلیل حماقت و انجام کارهای دیگر، نعمت‌های خدا را از دست بدهیم اما این عشق است که ما را رها نمی‌کند. اینکه خدا با وجود بی‌وفایی اسرائیل، به اسرائیل پایبند است. اگر خدا می‌خواست عهد را لغو کند، می‌توانست مدت‌ها پیش این کار را انجام دهد.

اما خدا برای اسرائیل پافشاری می‌کند زیرا اهداف او برای اسرائیل بزرگتر است، حتی از حفظ وفاداری اسرائیل. خدا عشق و وفاداری است. او خدای محتاطی است که رحمیم، شفقت، و در نهایت، این تعهد باید محکم باشد.

این یعنی تزلزل‌ناپذیر بودن. ثابت بودن، و این همان چیزی است که امونّه به آن می‌گوید. ثابت

پایدار. در کتاب مقدس عبری، کلمه ستون از این ریشه آمده است. این چیزی است که شما را پشتیبانی می‌کند.

به معنای پرستار ترجمه شده است. کسی که ، aman ، در کتاب روت، کلمه دیگری که از این ریشه می آید از نوزاد تازه متولد شده مراقبت می کند، در این مورد، از او اطاعت می شود. و آن کودک مورد حمایت و تغذیه قرار می گیرد، و بنابراین، این اصطلاحی است که برای ما از استحکام و حمایت صحبت می کند.

و این همان چیزی است که در مورد ازدواج هوشع و رابطه‌ی یهوه با قومش صادق بود. بسیار خوب، پس ما این سخنان را به عنوان بخشی از آن مراسم داریم. حال، فصل‌های ۱ تا ۳ زندگینامه‌ای هستند، اما من گفتم که از طریق وقایع جومر، تولد یزرعیل، لو-روحامه و لو-عمی، هر یک از آنها پیامی از آن رابطه‌ی قطع شده بین پادشاهی شمالی و خدایش می‌فرستند.

تبعیدی در پیش خواهد بود. این تبعید دائمی نخواهد بود زیرا در پایان فصل ۱، وعده بازگشت وجود دارد و خداوند، بار دیگر، عشق پایدار او پابرجاست. در فصل ۳، ما پیگیری واقعی پیامبر را داریم که قرار است برده را بازگرداند تا بار دیگر همسر گمشده و سرکش خود را پیدا کند.

این اسرائیل است. خدا هرگز تسلیم نمی‌شود. و بنابراین، ما در اینجا نمونه‌ای از کاری که خدا انجام می‌دهد را داریم.

به معنای رهایی دادن است. اما معنای واقعی آن در ، GOEL ، ما قبلاً در مورد گوئل صحبت کرده‌ایم. گوئل کتاب مقدس عبری، تلاش یا پرداخت هزینه برای آزادسازی کسی یا دفاع از آرمان کسی است.

معنایش همین است. پرداختن بها، به کار بستن تلاش، آزاد کردن کسی از نوعی اسارت. این کاری است که ما در سِدِرِ بین ادیانی خود با هم انجام خواهیم داد.

این آزادی از مصر است. حال، در آن صورت، خود خدا نجات‌دهنده‌ای است که قوم خود را آزادانه و با لطف آزاد می‌کند. در این مورد خاص، ما در واقع می‌بینیم که کسی می‌آید تا جومر را بازخرد کند.

و بنابراین، خدا در فصل ۳ می‌گوید، برو و دوباره عشقت را به همسرت نشان بده، اگرچه او مورد علاقه‌ی مرد دیگری است، او مورد علاقه‌ی معشوقه است، و او زناکار است. بنابراین، متن ادامه می‌یابد و می‌گوید همانطور که خداوند قوم اسرائیل را دوست دارد، او همچنان آنها را دوست دارد، اگرچه آنها به خدایان دیگر روی می‌آورند و عاشق کیک‌های کشمش‌ی هستند. اجازه دهید لحظه‌ای مکث کنم.

کیک کشمش‌ی. تقریباً به نظر می‌رسد که یک داستان بی‌ربط است. آنها در روایت گنجانده شده‌اند، اما در واقع اینطور نیست.

یادتان باشد، دفعه‌ی قبل سه‌گانه‌ی کشاورزی را به شما نشان دادیم. بنابراین، اصول اولیه‌ی زندگی و اقتصاد در عهد عتیق. شراب، غلات و روغن.

و بنابراین، کیک‌های کشمش‌ی، همانطور که از فرقه بعل می‌دانیم، به بعل تقدیم می‌شدند. او خدای طبیعت و یکی از ارکان اساسی اقتصاد است. این انگورهای خشک شده تقدیم می‌شدند.

این خدای کشاورزی از طریق کیک‌های کشمش‌ی به اینجا می‌آید. و بنابراین، او به این مکان می‌رود تا این کنیز برده را، هر چه که گومر شده بود، خریداری کند. اما اینجا مشاهده خواهید کرد که او این کار را با ۱۵ شِکِل انجام می‌دهد، که بخشی از آن است.

حالا، یادتان باشد، یک شِکِل چهار دهم یک اونس است. بنابراین، این چیزی است که ما به آن سیستم تهاتری می‌گوییم. تهاتری.

تا قرن هفتم پیش از میلاد، همه چیز با مبادله انجام می‌شد. اولین سکه‌ها در جهان باستان حدود قرن هفتم شروع به ورود کردند. این ورود از طریق گروهی که در منطقه آسیای صغیر زندگی می‌کردند به نام لیدی‌ها صورت گرفت و یونانی‌ها به سرعت شروع به ضرب سکه کردند.

حال، قیمت معمول یک برده در عهد عتیق، حداقل طبق خروج ۲۱، ۳۰ شِکِل بود. بنابراین، در اینجا جومر، نیمی از قیمت خرید او، نصف قیمت یک برده است. و دیگری به صورت محصولات کشاورزی پرداخت می‌شود.

و توجه کنید که متن چه می‌گوید: او، آن زن به قیمت یک هومر و یک لِتیک، یک هومر و یک لِتیک یا لِتیک جو خریداری شده است. حال، کلمه عبری چمور به معنی الاغ است. بنابراین، وقتی این معیار را در کتاب مقدس، هومر، می‌شنوید، به ادبیات کلاسیک یونان فکر نمی‌کنید.

آدم فکر می‌کند الاغ. یکی از اساتید من در دانشگاه، یک استاد یهودی به نام دکتر حموری بود و دانشجویان از او خوششان نمی‌آمد، بنابراین روی اسمش یک عدد گذاشتند. هومر مقدار باری است که یک الاغ می‌تواند حمل کند، احتمالاً پنج تا شش بوشل.

این از نظر اندازه تقریبی است. و یک لِتیک معادل نصف هومر است. بنابراین، اگر یک هومر مثلاً حدود ۳۶ بوشل و نیم هومر باشد، یک لِتیک حدود سه بوشل می‌شود.

بنابراین، ما در مورد نه بوشل، احتمالاً تا ده بوشل غله که یک الاغ حمل می‌کند، صحبت می‌کنیم. ظاهراً هومر در آن زمان برده شده بود، متعلق به شخص دیگری بود، و او با نقره و محصولات، جو، بازر خرید می‌شود. آیات بعدی به طور خلاصه به تبعید اسرائیل و بازگشت اشاره می‌کنند.

این آیه از دوره‌ای از روزهای بسیار، شاید دوره‌ای از انضباط و آزمایش، سخن می‌گوید که قرار بود برای اسرائیل پیش بیاید، زیرا آنها رابطه خود را با قادر مطلق، پیش از آنکه خدا آنها را بازگرداند یا دوباره در صمیمیت کامل برقرار کند، مورد بازنگری قرار دادند. این آیه درباره زندگی آنها بدون پادشاه یا شاهزاده صحبت می‌کند. این در آیات ۳.۴ آمده است، اسرائیل در تبعید در خارج از سرزمین خود زندگی می‌کند.

آنها هیچ حکومت مدنی نخواهند داشت. اما در نهایت این متن باید به عنوان مسیحایی درک شود. و دلیل آن در آیه ۵، آخرین کلمه در این مقدمه زندگینامه‌ای یا حداقل مطالب زندگینامه‌ای است که می‌گوید، در روزهای آخر یا پس از آن، بنی اسرائیل بازخواهند گشت و خداوند خدای خود را خواهند جست.

اینجا یک اتفاق معنوی در حال رخ دادن است. و آنها به دنبال پادشاه خود، داوود، خواهند گشت. این یک کلمه رمز برای مسیح است.

به یاد داشته باشید، از همان ابتدای پیدایش فصل ۴۹، وعده از طریق یهودا، قبیله یهودا، حاکمی خواهد آمد، که عصای فرمانروایی از او ناپدید نخواهد شد. و از طریق یهودا، پسر یعقوب، قبیله پادشاهی، که به زیبایی، در پنجره‌های شاگال در بیمارستان هداسا در اورشلیم، اگر تا به حال آنجا بوده باشید، مارک شاگال بزرگترین هنرمند یهودی کتاب مقدس، یعنی هنرمندی که صحنه‌ها و شخصیت‌های کتاب مقدس را به تصویر می‌کشد، یهودا را در این پنجره قرمز سلطنتی، این پنجره شیشه‌ای رنگی ۱۳ فوت ارتفاع و چندین فوت عرض، به تصویر می‌کشد که جنبه‌هایی از هر قبیله را به تصویر می‌کشد. و البته، دو دست وجود دارد که

تاجی را نگه داشته‌اند و آنچه را که کتاب مقدس در مورد یهودا، نسل پادشاهی، می‌گوید، به ما یادآوری می‌کنند.

و بنابراین، پس از رفتن داوود، تقریباً کمی پس از سال ۱۰۰۰، و انتقال سلطنت به پسرش سلیمان، در اینجا ما شاهد احیای داوود، به معنای تأسیس مجدد، احیا، بازگشت داوود، یا به عبارت دیگر، یک مسیح از نسل داوود هستیم. این عبارت به این معنی است که اسرائیل به دنبال یک مسیح خواهد گشت و خدا به نوعی نسل داوود را احیا خواهد کرد، آن کلبه داوود، آن سوکا که فرو ریخت را دوباره احیا خواهد کرد، همانطور که در پایان عاموس، فصل ۹، در مورد آن می‌خوانیم. حال، به نحوی، این [موضوع] با فرا رسیدن عصر مسیحایی احیا خواهد شد. و هنگامی که این عصر به اوج خود برسد، در روزهای آخر، به این اشاره دارد: مسیح خدا بر جهان حکومت خواهد کرد و قوم او، طبق گفته پیامبران کوچک، در نظر ملت‌ها، کاملاً احیا و تأیید خواهند شد.

بنابراین، مرمت نهایی، یا مرمت همه مرمت‌ها، آینده است. الی ویزل زمانی این نکته را مطرح کرد که اگر قوم یهود دیگر به یک رؤیای مسیحایی، به یک امید مسیحایی پایبند نباشند، یهودیان چیزی برای زندگی نخواهند داشت. از یک نظر، این درست است زیرا یهودیان پایان تاریخ را پیش‌بینی می‌کنند، و بسیار بسیار نبوی است که تاریخ در عصر طلایی به اوجی بزرگ و باشکوه می‌رسد که با این دیدگاه مسیحایی از مردمی احیا شده و احیا شده گره خورده است، و شالوم، تزدکا، و مشیط، که زمین را پوشانده‌اند، با آن سلطنت نهایی مسیحایی مرتبط هستند.

آیا افتتاح شده است؟ بله. عهد جدید را بخوانید. پادشاهی خدا اینجاست، در حضور عیسی

به نوعی، او آن سلطنت و آن حکومت خدا را با پیروزی بر گناه و مرگ و از طریق رستاخیز آغاز کرد و اکنون از طریق روح القدس در قلب هر مؤمن و در کلیسا سلطنت می‌کند. اما آن سلطنت هنوز به کمال نرسیده است، و آنچه در عید فصح به ما یادآوری خواهد شد این است که هم یهودیان و هم مسیحیان شریک هستند، هر دو منتظر رستگاری جهان هستند، زیرا هنوز زلزله، هنوز قحطی، هنوز طاعون، هنوز جنگ، هنوز انواع نقص‌های زمینی وجود دارد که از این جهان حذف نشده‌اند. بنابراین، رستگاری، بدیهی است که هنوز به اوج خود نرسیده و به معنای نهایی و غایی خود نرسیده است.

و این باعث ایجاد گفتگوی بسیار جالبی بین مسیحیان و یهودیان می‌شود. ما همیشه این کار را کرده‌ایم. مسیحیان اعلام می‌کنند که منجی آمده است و جهان نجات یافته است، و دوستان یهودی آنها نگاه می‌کنند و می‌گویند، پول را به من نشان دهید.

مدرک را به من نشان بده. آیا امروز نیویورک تایمز را خوانده‌ای؟ آیا امروز سی‌ان‌ان را تماشا کرده‌ای؟ دنیا نجات یافته است. ما راه درازی در پیش داریم.

و این یادآوری است که رستگاری، همانطور که در پیامبران توصیف شده است، با سلطنت عادلانه و جهانی خدا بر روی زمین سروکار دارد، چیزی که ما هنوز به آن دست نیافته‌ایم. و در سیستم مسیحی، تا زمانی که او شخصاً، مسیح خدا، با ملت‌ها صلح برقرار نکند و از طریق ظهور دوم خود شخصاً سلطنت و حکومت نکند، فرا نخواهد رسید. اکنون، ما در همپوشانی دو عصر زندگی می‌کنیم.

حالا، چند نکته‌ی دیگر هم می‌خواهم در مورد هوشع بگویم. در فصل‌های ۴ تا ۱۳، این کتاب کاملاً منفی است، چون او در مورد قومی بی‌وفا صحبت می‌کند. و مدام، بند به بند، به این مضمون زنا‌ی اسرائیل برمی‌گردد.

بله، او به خدای اسرائیل وفادار نبود و برای استفاده از زبان هوشع، به دنبال بت‌های دیگر رفت و به فحشا پرداخت. و خدا را نادیده گرفت. یکی از چیزهایی که هوشع مدام در مورد آن صحبت می‌کند، کتاب درسی شما نوشته هشل است؛ وقتی در مورد خدا صحبت می‌کند، آن را با دقت بخوانید.

داعه به معنای دانش است. داعه الوهیم، دانش خدا. و بارها و بارها، هوشع مردم پادشاهی شمالی را به خاطر نداشتن دانش درباره خدا سرزنش می‌کند.

حالا دوباره اینجا، وقتی او در آیه ۴:۱ می‌گوید، هیچ شناختی از خدا در سرزمین وجود ندارد، این درست است، و این درست نیست. از نظر فکری، انواع مراکزی وجود دارند که درک و دانش تاریخ اسرائیل می‌تواند به مردم ارائه شود. اما منظور هوشع از دعت این است که دعت از کلمه «یدا» می‌آید، فعل عبری به معنای دانستن، که در اوایل پیدایش ۴:۱ استفاده شده است، زمانی که آدم و حوا در یک رابطه جنسی یکدیگر را می‌شناسند.

دانستن به معنای داشتن یک رابطه شخصی و صمیمی با کسی است که واقعاً اصیل است. و وقتی خدا، می‌گوید هیچ شناختی از خدا در جهان وجود ندارد، انواع نظریه‌ها در مورد خدا وجود دارد، اما نه عمل اطاعت از اراده او، و زندگی کردن بر اساس آن. و بنابراین وقتی او در ۶:۳ اسرائیل را نصیحت می‌کند، به ما بگوید که بدانیم، بیایید برای شناخت خداوند خدا تلاش کنیم. ما در مورد مطالعه کتاب‌های درسی الهیات برای شناخت خدا صحبت نمی‌کنیم.

چیزی که او به آن دعوت می‌کند، «دعت الوهیم» یا اطاعت از خداست، جایی که باور و رفتار با هم همراه هستند. حال به خاطر داشته باشید که کل این مضمون، نحوه‌ی نگارش رساله‌های پولس است. پولس در بسیاری از رساله‌های خود به این موضوع می‌پردازد.

او باورها را مطرح می‌کند، اما سپس به رفتار می‌پردازد. او در رومیان ۱-۱۱ اصول اعتقادی را مطرح می‌کند. سپس در آیات ۱۶-۱۲ به هدایت و رهبری علاقه‌مند است.

پولس در کولسیان ۱ و ۲ درباره‌ی اصول و عقاید صحبت می‌کند، اما در کولسیان ۳ و ۴ درباره‌ی اعمال و اینکه چگونه باید زندگی کرد صحبت می‌کند. و این دو همیشه در کتاب مقدس با هم مرتبط هستند. این اطلاعات باید به یک سبک زندگی منجر شود.

و بنابراین، دانش به معنای عبری کاملاً متفاوت از معنای یونانی آن است. در معنای یونانی، دانش اغلب به معنای تأمل در مفاهیم، ایده‌ها و نظریه‌ها است. در معنای عبری، به کارگیری چیزی به شیوه‌ای شخصی و صمیمانه است.

بنابراین، شناخت خدا به معنای زندگی مطابق با اراده خداست. این همان شناخت خداست که در آن سرزمین کم بود. حال در فصل ۴، او در اینجا به طور بسیار واضحی توصیف می‌کند که مردم چقدر در روسپیگری به ورطه سقوط افتاده‌اند.

در واقع، در این فصل، او ده بار به آن اشاره می‌کند. جومر تصویری از ترک معنوی خداوند توسط اسرائیل است. خدا در سینا خواستار رابطه‌ای انحصاری شده بود.

شما باید طبق ده فرمان، تنها او را پرستش کنید. اما اسرائیل، همانطور که آیه ۱۰ می‌گوید، خدا را به خاطر بت‌ها ترک کرد. اما در اینجا، فحشای به معنای واقعی کلمه نیز وجود دارد که شامل فاحشه‌های فرقه‌ای و سایر موارد مرتبط با پرستش بعل می‌شود.

و کتاب مقدس در اینجا حتی بر فاحشه‌هایی که رابطه جنسی دهانی دارند تأکید می‌کند. حال، اگر شما یک موعظه ایراد کنید، کلیسا را از آنچه کتاب مقدس در مورد رابطه جنسی دهانی در صبح یکشنبه می‌گوید، خالی می‌کنید. به چیز دیگری نمی‌آید.

اما اینجا ذکر شده، و در کتاب امثال هم آمده، و در این زمینه به فحشا گره خورده است. بنابراین، تمام سرزمین به بعلیسم واگذار شد، و تمام سرزمین در حال فحشا در پرستش بت‌پرستان بود، که شامل این معابد نیز می‌شد، و بنابراین خدا دیگر بس بود. بله، این در آیه ۱۰ است، رابطه جنسی دهانی

این کاری است که فاحشه‌ها انجام می‌دهند. من فکر می‌کنم چیزی که او اینجا توصیف می‌کند نحوه‌ی عملکرد فاحشه‌ها است. در قلمرو کنعانیان، سرزمین پر از فاحشه‌های فرقه‌ای است.

آنها درگیر انواع فعالیت‌های جنسی نامشروع خارج از تعهد وفادارانه در ازدواج هستند که خداوند از زمان موسی تاکنون به آن امر کرده است. بله؟ فکر نمی‌کنم کتاب مقدس به طور خاص به این موضوع اشاره کند. فکر نمی‌کنم آن را ممنوع کرده باشد.

من فقط فکر نمی‌کنم که به طور خاص در مورد آن صحبت کند. در اینجا، به طور منفی در مورد آن صحبت می‌شود زیرا این تنها یکی از انواع مختلفی از چیزهایی است که... زندگی یک فاحشه. شما یک فاحشه را دنبال می‌کنید، و این بخشی از راه و روش یک فاحشه است، طبق کتاب مقدس.

همین عبارت در امثال ۳۰، آیه ۲۰ هم آمده است. من آن را خواندم. این راه یک زن زناکار است.

او غذا می‌خورد و دهانش را پاک می‌کند و می‌گوید، من هیچ کار اشتباهی نکرده‌ام. حالا، تفسیرهای بهترتان را بیرون بیاورید، و آنها دقیقاً به شما می‌گویند که این یعنی چه. من هیچ کار اشتباهی نکرده‌ام.

باز هم، این یک دنیای متفاوت است. این در چارچوب وفاداری به عهد نیست. و تا آنجا که من می‌دانم، کتاب مقدس در مورد درستی یا نادرستی آن صحبت نمی‌کند.

بنابراین، هیچ نوع قضاوتی نمی‌کند. لزوماً اشتباه نیست. می‌توانید از استدلال سکوت یا هیچ چیز چیزهای زیادی یاد بگیرید.

در آیه ۱۵ از فصل ۴، ای اسرائیل، اگرچه تو فاحشگی می‌کنی، یهودا مرتکب گناه نشود، به جلجال داخل مشو، و به بیت آون داخل مشو. بیت آون. بیت ایل، خانه خدا.

بیت-آون، خانه‌ی گناه. اینجا یک جناس کوچک وجود دارد. آون یکی از کلمات عبری برای گناه است.

این به معنای واقعی کلمه به معنای پیچ خوردن یا کج شدن مانند یک چوب شور پیچ خورده است. شما از حالت مستقیم خدا خم شده‌اید.

بنابراین، این خانه‌ی شرارت، تعبیری حسنه برای بیت‌ئیل است. به بیت‌آون نروید. مثل این است که به شما هشدار بدهم: لطفاً این یکشنبه به خانه‌ی ریاکاران نروید.

در فصل ۵، فقط به چند نکته جالب دیگر اشاره می‌کنم. در فصل ۵ آیه ۱۴، توجه کنید که چگونه خدا به شیر تشبیه شده است. من برای افرایم مانند شیر و برای خاندان یهودا مانند شیر ژیان خواهم بود.

من حتی، پاره می‌کنم و می‌روم، می‌برم و هیچ‌کس نجات نخواهد داد. چیزی شبیه به چیزی است که آموس می‌گوید. این شکل از قلمرو طبیعت گرفته شده است.

و بنابراین خدا طعمه خود را از بین خواهد برد. او پادشاهی شمالی را از بین خواهد برد، و تا سال ۵۸۶ پادشاهی جنوبی را نیز از بین خواهد برد. امیدوارم روزی در زندگی خود به اسرائیل سفر کنید.

خیلی جالب است که اسرائیل مدرن چقدر از کتاب مقدس الهام می‌گیرد. برای مثال، وزارت گردشگری یک برچسب دارد و آن را از کتاب اعداد گرفته است. و این تصویری از یوشع و کالب با تیرکی است که یک اشکول، خوشه انگور، میوه، را حمل می‌کند و از سرزمین موعود بازمی‌گردد.

آنها جاسوس بودند. و حالا بیابید نگاهی به اسرائیل بیندازید. این سرزمین شیر و عسل است.

بیابید بررسی کنیم. وقتی اسرائیل مجبور شد برای شرکت هواپیمایی ملی خود نامی انتخاب کند، تصمیم است LL گرفت برای یافتن نام شرکت هواپیمایی خود به کتاب هوشع نبی مراجعه کند. البته، نام آن

وقتی خارجی‌ها به آن نگاه می‌کنند، اسم خنده‌داری برای یک شرکت هواپیمایی است. منظورم این است که آن چیست؟ خب، دو جا در کتاب LL هواپیمایی سوئیس منطقی است، هواپیمایی بریتانیا منطقی است، اما، البته، L در آن ذکر شده است. یکی در آیه ۷:۱۶ و دیگری در آیه ۱۱:۷. کلمه LL هوشع نبی هست که شکل کوتاه شده خدا است، همانطور که در آیات بث ال، دانیال و یوئیل آمده است.

در زبان AI معنی درستش این است که یک اسم است. به معنی قدرتمند، نیرومند است. و LL، بنابراین عبری هم حرف اضافه است و هم اسم.

چگونه RSV این در LL، همچنین می‌تواند اسم باشد و به معنی بالا یا چیزی که بالا است، می‌باشد. خب AI. یعنی «بالترین» اشاره نمی‌کنند LL ترجمه شده است؟ به معنی «بالترین» ترجمه شده است. آنها به

به AI به معنی بالا یا مرتفع است، و این کاری است که هواپیماها قرار است انجام دهند. و ایده AI، بنابراین معنای قوی، قدرتمند، بلندترین و مرتفع‌ترین بودن است. بنابراین، این شرکت هواپیمایی مرتفع‌ترین است

، و چرا در کتاب مقدس با حرف بزرگ نوشته شده است؟ نه به این دلیل که نام یک شرکت هواپیمایی است، نام خدای قوم اسرائیل در طول تاریخ است. آنها به خدای متعال روی نمی‌آورند. و EL بلکه به این دلیل که به همین دلیل، با مشکلاتی مواجه شده‌اند.

و بنابراین، پیامبر آنها را فرا می‌خواند. در آیه 7 از باب 11، آمده است که حتی اگر آنها به خدای متعال متوسل شوند، حتی اگر به خدای متعال متوسل شوند، او به هیچ وجه آنها را متعال نخواهد کرد. اما او «دوباره با ضمیر اول شخص می‌گوید»: ای افرایم، نمی‌توانم تو را ترک کنم

. قلبم دگرگون شده است. تمام شفقت من برانگیخته شده است. نمی‌توانم از تو دست بکشم.

در اینجا برخی از گرم‌ترین و لطیف‌ترین احساساتی که خداوند نسبت به قوم خود، حتی در بحبوحه ارتداد آنها دارد، آورده شده است. او به آنها از عشق خود و اینکه آنها را رها نکرده است، اطمینان می‌دهد. یکی از انسان‌هراسی‌های موجود در کتاب مقدس، انسان‌انگاری، نسبت دادن یک بخش انسانی به خدا، چشمان خدا، گوش‌های خدا، بازوی خدا، این یک انسان‌انگاری است.

انسان‌شناسی که هشل در کتاب درسی شما درباره آن صحبت می‌کند، احساسات و عواطف انسانی را به خدا نسبت می‌دهد. در آیه ۸.۵، خدا می‌گوید: خشم من علیه آنها شعله‌ور می‌شود. معمولاً در زبان عبری، وقتی خشم خود را ابراز می‌کنید، به معنای سرخ شدن یا داغ شدن بینی است.

سوزش بینی معمولاً در انگلیسی به معنای داغ شدن یقه کسی، یعنی عصبانیت، است. شاید این اصطلاح به دنیای سامی برگردد که در آن خرناس می‌کشیدید. وقتی ناراحت می‌شوید، شاید مثل کاری که اسب می‌کند

بنابراین، خدا اینجا با یک پنائیم، با بینی دوگانه، مثل من و شما، به تصویر کشیده شده است. در زبان عبری، این یک دوگانه است. و وقتی بینی دو قسمتی او، دو سوراخ برای تنفس، داغ و قرمز می‌شود، معادل خشم است.

به زمینه‌ی ماجرا توجه می‌کنید، چیزی که او را عصبانی می‌کند. این یک گوساله‌ی سامری است. اینجا، مصر دوباره مورد بررسی قرار گرفته است.

بفرمایید. به گفته‌ی خاخام‌ها، بزرگترین گناه در تاریخ اسرائیل، گوساله‌ی طلایی بود. تنها مدت کوتاهی پس از خروج از مصر، ماجرای گوساله‌ی طلایی. و بنابراین او می‌گوید گوساله‌ی سامره تکه تکه خواهد شد.

تاریک‌ترین بدعت برای انبیا، از دست دادن هویت خود بود. و نظرات هوشع در این مورد. اسرائیل در ۸:۸ در میان ملت‌ها بلعیده می‌شود. شبیه ملت‌ها شدن، تاریک‌ترین بدعت بود.

و وقتی هویت خود را در میان این دنیای کنعانی از دست بدهی، دنیایی که می‌خواهد تو طبیعت‌پرست باشی، و یکپارچگی زندگی خانوادگی را از دست بدهی، و تمام مایحتاج اقتصادی و خانوادگی را به بعل نسبت دهی، آن را از دست داده‌ای. تو بلعیده شده‌ای. جذب شدن یکی از بزرگترین چالش‌های قوم خدا در طول تاریخشان است.

و آن تعادل ظریف، چگونه در جهان بودن اما از جهان نبودن. به مصر باز خواهد گشت. افرایم به مصر باز خواهد گشت.

پادشاهی شمالی، مصر، کلمه رمزی برای تبعید دوباره است. دوباره بردگی. نماد بردگی.

بنابراین، ما همیشه کتاب مقدس را به معنای واقعی کلمه تفسیر نمی‌کنیم. هرگز در این بحث گرفتار نشوید. آیا شما کتاب مقدس را به معنای واقعی کلمه تفسیر می‌کنید؟ پاسخ باید گاهی اوقات به معنای واقعی کلمه باشد.

من آن را بر اساس نوع ادبی‌اش می‌خوانم. و این یک استعاره است. افرایم به مصر واقعی باز نمی‌گردد، اما مصر به صورت مجازی برای اسارت آشوریان است.

در آیات ۱۰ تا ۱۲، یک متن جالب و علامت‌گذاری شده داریم. حتی ممکن است باور کنید که می‌توان از آن متن به عنوان متنی برای موعظه استفاده کرد. احتمالاً به اندازه هوشع لحن بشارتی دارد.

باز هم، او درباره زندگی در فضای باز صحبت می‌کند. او می‌گوید، برای خود پارسایی بکارید، میوه جسد را درو کنید، زمین بایر خود را شخم بزنید، زیرا وقت آن است که خداوند را بجوید تا بیاید و نجات را بر شما بباراند.

به تمام جناس‌های طبیعت در اینجا توجه کنید. تمام نمایش‌ها در مورد کاشت، برداشت، شخم زدن زمین بایر، تا خداوند باران نجات را بر شما ببارد. همه اینها از خاک و طبیعت گرفته شده‌اند.

باز هم نکته‌ی جالبی است. او از جایی شروع می‌کند که مردم فکر می‌کنند. آنها آنقدر به پرستش عدل (نوعی علف (روی آورده‌اند که طبیعت خدای آنهاست

، حالا او آن نقطه تماس را برقرار می‌کند و آن را به چیزی معنوی تبدیل می‌کند. پارسایی، عشق پایدار، جستجوی خدا برای دریافت نجاتش.

چند نکته دیگر، در یکی از سخنرانی‌های آغازینم در باب ۱۱:۱ داریم، نکته‌ای که در نبوت آلمانی یا نبوتی که تحقق آن در عهد جدید آمده است، وجود دارد. وقتی اسرائیل کودک بود، من او را دوست داشتم و از مصر پسر را فراخواندم. خب، پسر نخست‌زاده خدا بود که خدا او را از مصر بیرون آورد.

اما تحت الهام روح القدس در متی ۲:۱۵، همه ما آن بخش را می‌شناسیم که خدا می‌گوید، از مصر پسر خود را فراخوانده‌ام. و این ایده تحقق بخشیدن اغلب به معنای اشاره ضمنی یا اشاره به یک موضوع یا ایده گسترده‌تر است. این اشاره به یک زمینه خاص نیست، بلکه یک متن اثباتی است.

بنابراین، برای القای ضمنی، نه معنای اولیه یا صریح، بلکه معنایی ضمنی‌تر از طریق تداعی با ایده اصلی. ایده اصلی چیست؟ رهایی از مصر، بیرون آمدن از مصر. این قطعاً در مورد ملت صادق بود.

به همین دلیل است که عید فصح نزدیک به ۳۵۰۰ سال است که جشن گرفته می‌شود. اما این تمام معنای آن نیست. اکنون که به این رویداد اشاره می‌شود، معنای عمیق‌تری به آن خواهد بخشید.

، و این به نوعی به نوعی خروج اشاره دارد. جایی که مهمترین چهره کتاب مقدس، پسر یگانه و محبوب خدا، پسر یگانه، از مصر بیرون آورده می‌شود، هرچند در زمان قتل عام بی‌گناهان، به عنوان یک بچه کوچک چند ساله.

بنابراین، این معنای وسیع‌تری که در انجیل متی می‌خوانیم، بسیار جالب است زیرا می‌گوید کل روایت در مورد نوعی خروج بزرگتر است. زیرا هر چیزی که خود پسر خدا را درگیر کند، بزرگتر است. بنابراین، متی تاریخ اسرائیل را در خروج عیسی از مصر خلاصه می‌کند.

این نوعی گونه‌شناسی است که در آن او از این متن به شیوه‌ای استفاده می‌کند که شاید ما استفاده نکنیم. اما اهمیت عمیق‌تری پیدا می‌کند. هوشع کمی درباره تاریخ عهد عتیق می‌داند.

در فصل ۱۲، آیه ۳ متوجه خواهید شد که او درباره یعقوب و عیسو صحبت می‌کند. و در رحم، پاشنه برادرش را گرفت و در بزرگسالی، با خدا جنگید. باز هم، این جناس در مورد کشتی گرفتن، تلاش کردن و کوشش کردن با خدا.

یعقوب در یبوق، پیدایش ۳۲. او با فرشته جنگید و پیروز شد. یعقوب در بیت‌ئیل با خدا ملاقات کرد و غیره.

بنابراین، او به تاریخ پدران اشاره می‌کند. و حتی از موسی، آیات ۱۲ و ۱۳، نام می‌برد. خداوند به وسیله‌ی یک پیامبر، اسرائیل را از مصر بیرون آورد.

بیشتر مسیحیان موسی را پیامبر نمی‌دانند. اما طبق کتاب مقدس، او بزرگترین پیامبر در عهد عتیق است. خداوند به وسیله یک پیامبر، اسرائیل را از مصر بیرون آورد.

یک یا دو نکته پایانی. وقتی پولس در اول قرن‌تین، فصل ۱۵، به عنوان مرجع اصلی خود در مورد رستاخیز بزرگترین سخنرانی او در کتاب مقدس در مورد رستاخیز، ارائه می‌دهد، در فصل ۱۳، آیه ۱۴ به کتاب هوشع می‌پردازد. ای مرگ، بلاهای تو کجاست؟ ای گور، هلاکت تو کجاست؟ و در اینجا می‌بینیم که پولس این متن خاص را از ۱۳ و ۱۴، در اول قرن‌تین ۱۵ و ۵۵ نقل می‌کند.

از نظر پولس، پیروزی مسیحیان بر مرگ را توصیف می‌کند. این وعده‌ای به اسرائیل در متن اصلی خود است. بسیار خوب، شما به اسارت خواهید رفت.

تو به تبعید می‌روی. آشور در راه است. اما بازگشت تو، گویی، مانند یک تولد، یا مانند رستاخیز مردگان. بسیار شبیه حزقیال ۳۷، دره استخوان‌های خشک خواهد بود.

تو آنجا در میان ملت‌های زمین، در آن ملت بزرگ آشور، نخواهی مرد. طاعون و نابودی شئول مغلوب خواهد شد. و بنابراین، در اینجا، هوشع احیای قوم خود را پیش‌بینی می‌کند، نه رستاخیز مسیح را.

بنابراین، این معنای کامل‌تر شکست مرگ، ای هاویه، نابودی تو کجاست؟ و غیره. این در انتظار عهد جدید است. و این همان مجمع عمومی سرشماری خواهد بود.

فصل آخر، باز هم، شیرینی ویرایش است. فصل آخر شامل برکت مثبت، بخشش، در پاسخ به توبه است. کلمه عبری برای توبه چیست؟ بازگشت است.

برگرد. فصل ۱۲ چگونه پایان می‌یابد؟ برگرد. شوب/شوو، ای اسرائیل، به سوی خداوند، خدای تو.

به سوی خداوند بازگردید. پولس ایده استفاده از درخت زیتون به عنوان استعاره برای اسرائیل را از کجا آورده است؟ درست همینجا از هوشع. یک جا در مزامیر هست، اما او این را از اینجا گرفته است.

جوانه‌ها و زیبای اسرائیل مانند زیتون خواهد بود. فصل ۱۴، آیه ۶. بنابراین، خوانندگان او بلافاصله این ارتباط را درک خواهند کرد. اینکه اسرائیل، در واقع، یک درخت زیتون است.

کتاب تقریباً این‌طور تمام می‌شود: هر که خردمند است، بگذار این چیزها را بفهمد. هر که بصیر است، بگذار آنها را بداند. چیزی شبیه به چیزی که در انجیل‌ها می‌خوانید.

توجه کنید. فراخوانی برای خوب گوش دادن. حرف آخر.

دَعَتِ الْوَهِيمِ، برای شناخت خداوند. هوشع کتاب خود را چگونه به پایان می‌رساند؟ او به شناخت علاقه‌مند است. پیروی از خدا.

و بنابراین، پی‌نوشت کتاب به دانستن برمی‌گردد. هر که حکیم است، این چیزها را بداند. زیرا درستکاران در آنها سلوک خواهند کرد.

به عبارت دیگر، این همان شناخت خداست. اطاعت کردن، به جا آوردن دستوراتش، و عمل کردن به دستوراتش. بنابراین، من فکر می‌کنم او در یک دایره کامل قرار می‌گیرد.

در این سرزمین هیچ شناختی از خدا وجود ندارد. اما وقتی واقعاً خدا را بشناسید، در راه او قدم خواهید گذاشت. بسیار خوب، برای امروز همین خواهد بود.

این دکتر مارو ویلسون در حال تدریس در مورد پیامبران است. این جلسه ۱۶، هوشع، بخش ۳ است.